

هشدارهای مسلح

اگر خودتان یا یکی از نزدیکانتان اسلحه دارید، چه خطری شما را تهدید می‌کند؟



محمدجواد ابوعطا- موضوع نگهداری اسلحه یکی از موضوعات مهمی است که موجب می شود یک درگیری و نزاع ساده تبدیل به چالشی خونین و حتی مرگ‌بار شود. در تعدادی از پرونده‌های قتل، بارها رد پای سلاح غیرمجاز دیده شده و متهم به قتل نیز اعتراف کرده است که در یک لحظه عصبانیت با مشاهده اسلحه، تصمیم به تیراندازی گرفته است. اگر شما هم در خانه سلاح دارید، گذشت از اینکه مجوز دارد یا غیرمجاز است، توصیه‌های سرهنگ احمدنگهبان، رئیس پلیس مشهد را با دقت بخوانید و سایه خطر را از سر خود و خانواده‌تان کوتاه کنید.

- نگهداری سلاح و مهمات، حتی مجاز آن در منازل، خانواده و به‌ویژه فرزندان را تهدید می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز حوادث تلخ و مرگ‌باری شود.
- همراه داشتن سلاح سرد یا گرم، سبب ایجاد غرور و اعتمادبه‌نفس کاذب در افراد می‌شود و احتمال بروز نزاع را بیشتر می‌کند.
- گاهی افراد از سلاح برای قدرت‌نمایی و رسیدن به مقاصدشان استفاده می‌کنند که زمینه بروز درگیری را افزایش می‌دهد.
- داشتن سلاح غیرمجاز علاوه بر اینکه برابر قانون جرم است، زمینه‌ساز درگیری، قتل و ناامنی است و پلیس با همکاری دستگاه قضایی با قاطعیت، با دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز برخورد قانونی می‌کند.
- کسانی که سلاح مجاز در اختیار دارند، دقت کنند که سلاح خود را در دسترس نگذارند، به‌ویژه جایی بگذارند که دردسترس کودکان و نوجوانان نباشد.
- موقع تمیزکردن اسلحه در منزل، ابتدا اسلحه را خالی کنید تا اشتباهی به‌سمت دیگران شلیک نشود.
- به‌هیچ‌عنوان حتی با اسلحه خالی، دیگران را نشانه نگیرید. گذشته از اینکه ممکن است گلوله‌ای در اسلحه باشد و شما متوجه نشده باشید، کودکان با دیدن این صحنه، ناخواسته آموزش می‌بینند.
- هرگونه اختلاف، همچون اختلاف ملکی را با مراجعه به مراجع قضایی حل‌وفصل کنید. اگر هم برای صحبت‌باطرف درگیری به محل می‌روید، به‌هیچ‌عنوان با خودسلاح نبرید.
- اگر در نزاعی متوجه شدید که یکی از طرفین اسلحه دارد، بلافاصله از محل دور شوید زیرا احتمال اصابت گلوله به اطرافیان در این مواقع بسیار محتمل است.
- شهروندان در صورت داشتن اطلاعاتی مربوط به نگهداری اسلحه غیرمجاز، به‌منظور تأمین امنیت مطلوب در جامعه و همچنین کمک به فردی که اسلحه در اختیارش است، پیش از اینکه خودش را به دردسر بیندازد، موضوع را به پلیس ۱۱۰ اعلام کنید.
- هرگونه استفاده از سلاح به‌قصد ارعاب و سلب آزادی مردم، با واکنش قاطع مأموران انتظامی روبه‌رو شده و مجازات بسیار سنگین (محاربه و اعدام) در انتظار مرتکبان است و تفاوتی بین سلاح گرم یا سرد در این نوع جرم وجود ندارد.

روی خط حادثه

شکار بی رحمانه آهو با موتورسیکلت

شهرآرا| صدای موتورسیکلت، آهو را می‌ترساند و حیوان فرار می‌کند. اما شکارچی بی‌رحم نشسته بر موتورسیکلت، نقشه شومی در سر دارد و تعقیب و گریز مرگ‌باری آغاز می‌شود. این تعقیب تا آنجا ادامه می‌یابد که آهوی خسته به ناچار زمین گیر شده و تسلیم شکارچی می‌شود. موضوعی که در روزهای گذشته منجر به دستگیری یک شکارچی و کشف لاشه یک آهوی ماده در پناهگاه حیات وحش خوش بیلاق شاهرود شد. هر چند جرمه شکار یک رأس آهو ۷۵ میلیون تومان است، اما گویا هنوز هم برای شکارچیان به‌صرفه است که با وجود جرمه سنگین مبادرت به‌شکار می‌کنند. هر چند این شکارچی غیرمجاز با حکم مرجع قضایی راهی زندان شد، اما شگرد بی‌رحمانه شکارچیان موتوری بدین روش است که شکارچیان پس از تعقیب طولانی مدت آهو با موتورسیکلت، این حیوانات بنا به طبیعت خود هنگام تعقیب، فرار کرده اما بعد از چند کیلومتر به علت تحمل فشار زیاد، دچار پارگی طحال و پرخونی ریه شده و تسلیم مرگ می‌شوند.

خاموشی ناجی ۱۸ساله

ابوعطا| فاطمه هنوز شمع هجده‌سالگی اش را فوت نکرده بود که زندگی‌اش دستخوش تشنجی اساسی شد. او هنوز آرزوهای زیادی برای زندگی‌اش داشت، اما مرگی زودهنگام او را از آرزوهایش جدا کرد و به جگره بیماران مرگ مغزی ملحق کرد. ماجرای مرگ دردناک فاطمه سوری هجده‌ساله که به علت تشنج دچار مرگ مغزی شده و در بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد بستری شده بود، پزشکان را به تکاپو انداخت تا با دریافت رضایت خانواده مرحوم، اعضای قابل پیوندش را پیش از رسیدن مرگ قطعی به بیماران نیازمند اهدا کنند. خانواده مرحوم با مشاهده فهرست بلندبالایی از بیماران نیازمند به عضو که هر روز تعدادی از آن‌ها جان می‌باختند، درنهایت در اقدامی خداپسندانه با اهدای عضو موافقت کردند. با انتقال پیکر مرحوم به واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در بیمارستان منتصریه، کلیه‌های او به مردی هجده‌ساله ساکن نیشابور و زنی پنجاه‌ساله ساکن مشهد پیوند شد. کبد مرحوم فاطمه سروری به زنی شصت‌و هشت‌ساله ساکن مشهد اهدا و پیوند شد. در ادامه نیز قرنیه‌های این زنده‌یاد برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد.

قاجاق‌بری قاتل فراری در ازای پول خون

با گذشت ۲ماه از قتل مردی جوان در کارواش، حالا ابعاد تازه‌تری در این پرونده جنایی کشف شده است



متهم متواری نیز غافل از اینکه مأموران ردش را گرفته‌اند و در مسیر او هستند، در مرز منتظر واریز مبلغ قاجاق برها بوده است که در این میان کارآگاهان سر رسیده و او را دستگیر می‌کنند. پول‌هایی که از طریق خودرو و اقلام با ارزش زندگی توسط خانواده امیرحسین به‌دست آمده است و حالا باید دید خرج خون مسعود می‌شود یا خیر.

رؤیای ایتالیا به حقیقت نپیوست

متهمان دیگر این پرونده طی چند عملیات مجزا در شهر کرج و ماکو شناسایی و دستگیر شدند. اگرچه این افراد ابتدا حاضر به همکاری با قانون نبودند اما در ادامه با مقام قضایی همکاری کرده و متهم فراری را تحویل پلیس دادند.

آنچه از گفت‌وگوی متهم با خانواده‌اش در زمان قرار به‌دست آمده است، اوقصد داشته ابتدا به ترکیه برود و سپس خود را به ایتالیا برساند که موفق نشده و زمین‌گیر می‌شود. رؤیایی که شاید هیچ وقت به حقیقت نپیوندد. تحقیقات این پرونده همچنان ادامه دارد و به‌زودی نیز کیفرخواست آن صادر می‌شود. گفتنی است بازسازی صحنه جرم این پرونده در تاریخ ۷ شهریور، درست دو ماه بعد از وقوع جرم در توس ۳۳ در محل کارواش برگزار شد و روز بعد با عنوان «می‌خواست با پراید مرا زیر بگیرد، در صفحه حوادث چاپ شد.

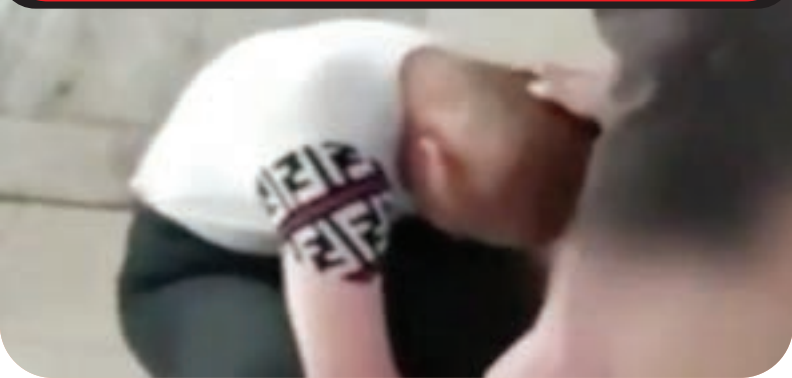
جواد بهنام ضمن اعلام جزئیات این اتفاق در مشهد، بیان کرد: ویدئویی که چندی پیش پخش شد، متعلق به مرکز پسرانه شبانه‌روزی معلولان ذهنی نیکان واقع در بولوار وکیل‌آباد بوده و فرد منتشرکننده ویدئو را نیز دستگاه‌های نظارتی بهزیستی خراسان رضوی شناسایی و او را به‌دستگاه قضایی معرفی کرده‌اند.

وی مدعی شد: این ویدئو برای ارسال به شبکه‌های فارسی‌زبان خارج نشین، جهت‌دار ساخته شده است. با این حال، پرونده تخلف‌برای بررسی دقیق‌تر به مرجع قضایی ارسال شده است. بهنام تصریح کرد: تا پاسخ نهایی دستگاه قضا و بررسی‌های نظارتی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی مشخص نشود، نمی‌توان درباره پلمب مرکز نظری داد. با این حال، نماینده بهزیستی در این مرکز مستقر شده است تا خدمت‌رسانی به معلولان ذهنی بستری در این مرکز متوقف نشود.

- (دوباره مرد میان‌سال را مخاطبم قرار می‌دهم و موضوع پرونده امیرحسین را وسط می‌کشم.) آنچه طبق تحقیقات پلیس در پرونده ثبت شده است، هزینه قاجاق برها برای اینکه امیرحسین را به ترکیه برسانند ۱۲۰ میلیون تومان بوده است، چرا شما ۶۴۰ میلیون تومان از پدرش خواستید که بپردازد؟
- گفتم که قرار نبوده این پول به من برسد. من فقط او را تا تهران رساندم. این پول هم به خودش تعلق دارد و چون کارت بانکی نداشت به چند حساب واریز شد.
- چرا وقتی فهمیدید که مرتکب جرم شده است او را به پلیس تحویل ندادید؟
- از روی سادگی و خویشاوندی ای که با خانواده‌اش دارم.
- چه خویشاوندی؟
- همسر من با مادر بزرگ امیرحسین خواهر هستند.
- تا بخواهم سؤال آخر را ببرسم پسر جوان داخل حرم می‌دود و قبل از اینکه توسط مأمور زندان برود، می‌گوید: «اگر ما ریگی به کفتمان بود خودمان را به پلیس آگاهی معرفی نمی‌کردیم»، اگرچه ظاهر حرفش منطقی به نظر می‌رسد اما آنچه از شواهد امر پیداست و پلیس اعلام کرده، این افراد پس از اینکه جلو حساب‌های بانکی موردنظرشان گرفته شده است و از سویی دست قاتل هم برای قانون رو شده برای اینکه خود را بی‌گناه جلوه بدهند، به‌ظاهر خود را تسلیم قانون کرده‌اند. موضوعی که تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی اداره جنایی مشهد، آن را تأیید می‌کند.

- فرض بر اینکه این ادعایتان درست باشد و نمی‌توانستید برای کارت بانکی خود شماره شبی بگیرید، چگونه می‌خواستید این مبلغ را به امیرحسین بدهید؟
- یک کاری می‌کردم دیگر.
- آخرین مبلغی که به شماره حساب دخترخاله‌تان واریز شد چقدر بوده است؟
- ۲۰۰ تومان.
- ۴۰۰ میلیون تومان؟
- نه، ۹۰ میلیون تومان که جلو آن را هم گرفتند و حساب مسدود شد.
- چرا به ماکو می‌رفتید؟
- (در این لحظه پسرش در حرف اومی‌دود و پاسخ می‌دهد) چند وقتی می‌شود که در رفت‌وآمد هستیم.
- چطور؟
- (پسر متهم پاسخ می‌دهد) در آخرین باری که از ترکیه برگشتم یک مشکل قضایی برایم به‌وجود آمده است.
- غیرقانونی از کشور خارج شدی؟
- خیر، گذرنامه داشتم و خروجم قانونی بوده است اما در زمان برگشتن به دلیل شلوغ بودن مرز بازرگان مهر ورود به‌کشور در گذرنامه‌ام ثبت نشده است.
- چطور ممکن است؟
- من خودم هم دو ماه بعد که به ایران برگشتم فهمیدم.
- بعد از اینکه متوجه شدی گذرنامه‌ات مهر ندارد چه کردی؟
- به اداره گذرنامه رفتم و بعد هم به دستگاه قضایی معرفی شدم. (پدرش حرفش را قطع می‌کند و می‌گوید مدارکش هم هست.)

جزئیات پرونده آزار معلولان در یک مرکز توان بخشی



نیکان واقع در بولوار وکیل‌آباد مشهد رخ داده است. مسئولان بهزیستی خراسان رضوی و مشهد نیز این موضوع را تأیید کردند. مدیر اداره بهزیستی مشهد در این باره به شهرآرا

علی‌صدی جوان| پس از گذشت حدود یک‌ماه از انتشار ویدئویی از ضرب و جرح معلولان ذهنی در کمپ نیلوفران آبی بوشهر که به پلمب این مرکز و برخورد با مسئولان آن منجر شد، حالا ویدئویی دیگر در فضای مجازی داغ شده است که نشان می‌دهد عده‌ای مشغول آذیت و آزار معلولان ذهنی در یکی دیگر از مراکز نگهداری این افراد هستند. این ویدئو صحنه‌های دردناکی از بدرفتاری با معلولان ساکن در یک مرکز را نشان می‌داد. همچنین برخی افراد حاضر در ویدئو لباس کارکنان همان مرکز را به تن داشتند. از همان ابتدای انتشار ویدئو، با توجه به لهجه حاضران، خبرنگار شهرآرا سرخ‌هایی به دست آورد که نشان می‌داد این مرکز در مشهد واقع است، اما پیگیری‌های خبرنگار ما پاسخ دقیقی از مسئولان بهزیستی مشهد را در پی نداشت. حالا با گذشت چند هفته از این ماجرا، به‌صورت دقیق مشخص شده که این اتفاق در مجموعه نگهداری معلولان

خبر

رسیدگی قرار می‌گیرد.

واریز ۶۴۰ میلیون تومان به حساب دیگران برای ردگم‌کنی

حالا متهمانی که قرار بود قاتل فراری را از کشور خارج کنند به‌مشهد منتقل شده و پای میز محکمه قضایی حاضر شده‌اند. متهمانی که از قضانسبت فامیلی با خانواده قاتل دارند و طبق شواهد موجود در پرونده، قرار بوده زمینه خروج او را از کشور فراهم آورند.

بعد از پایان جلسه بازپرسی در شعبه ۲۰۸ دادسرای مشهد، به سراغ متهم اصلی پرونده قاجاق‌بری که حدود پنجاه و پنج سال دارد و پسر جوانش می‌روم. آنچه در پرونده‌اش آمده طبق ادعای پدر امیرحسین قرار بوده او و پسرش متهم را در ازای دریافت ۱۴۰ میلیون تومان به‌وسیله تعدادی قاجاق بر از کشور خارج کنند و به ترکیه برسانند. پدر و پسر کنار همدیگر نشسته‌اند، برای دقایقی کوتاه با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنم.

این درست است که برای خارج کردن امیرحسین از کشور مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان گرفته‌اید؟

خیر. ما راهی سفر بودیم که پدرش (پدر متهم به قتل) گفت که امیرحسین را با خودمان ببریم. من هم او را تا تهران رساندم و سپس از همدیگر جدا شدیم.

از جرم امیرحسین مطلع بودید؟

می‌دانستید قتل انجام داده است؟

خیر، به من گفته بودند یکی را با قاجاق زده است. اما نمی‌دانستم آن فرد به قتل رسیده است.

در پرونده آمده است که خانواده متهم ۶۴۰ میلیون تومان پول به حساب‌های مختلفی که شما داده‌اید واریز کرده‌اند. درست است؟

آن پول را برای من واریز نکرده‌اند. قرار بود آن پول را به خودش (امیرحسین) بدهیم.

اگر قرار بود پول را به امیرحسین بدهید چرا خانواده‌اش مبلغ را به حساب خود او واریز نکردند؟

چون حسابش را بسته بودند.

چرا مبلغ به حساب افراد ناشناس واریز شده است؟

آن افراد ناشناس نیستند، یکی از آن‌ها

رابطه خویشاوندی با من دارد.

خب، چرا از خانواده امیرحسین نخواستید

مبلغ را به حساب خودتان واریز کنید؟

شماره شبی نداشتم.

مهدی قرآنی

گزارش

هشتم تیرماه امسال بود که چاقوی امیرحسین هجده ساله با ضربه کلنگی در سینه مسعودسی و دوساله می‌نشیند و اختلافات سریالی آن‌ها رنگی از خون می‌گیرد. امیرحسین با خونین شدن پیراهن مسعود متوجه عمق این صحنه فاجعه‌بار می‌شود و پا به فرار می‌گذارد تا از صحنه دور شود. در این میان اما ضربه شدید چاقو، کاری واقع می‌شود و مسعود بعد از برداشتن چند گام، روی زمین می‌افتد و همان‌طور که خون از بدنش خارج می‌شود نفس‌های آخرش را می‌کشد. تادر آن یحبوحه کسی پیدایش شود و با اورژانس تماس بگیرد و آمبولانس برسد، مسعود تمام می‌کند.

با حضور نیروهای امدادی و مأموران انتظامی در محل و تکمیل صورت جلسه اولیه، موضوع خیلی زود به قاضی صفری، بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، گزارش می‌شود و زمانی نمی‌گذرد که گروه بررسی صحنه جرم، خود را به توس ۳۳ می‌رساند.

اگرچه باتوجه به مستندات و شواهد موجود هویت قاتل برای گروه تحقیقات پرونده محرز می‌شود اما مخفی شدن اودر مکانی نامعلوم بررسی‌های پلیسی را به‌کندی پیش می‌برد تا اینکه بعد از چند روز از وقوع این جنایت، سرخ‌هایی از قاتل فراری به‌دست

می‌آید که نشان می‌دهد وی از مشهد گریخته و قصد خروج از کشور را دارد. کارآگاهان پلیس خیلی زود در امیرحسین

را در تهران و سپس در یکی از شهرهای شمالی نزدیک به مرز بازرگان می‌گیرند اما بُعد مسافت، تحقیقات میدانی را تسدین به این مجرم را کمی دشوار می‌کند.

در حالی تحقیقات میدانی ادامه می‌یابد که مکاتبه شبیه‌سازی پرسشی قتل دادسرای

مشهد با حوزه دادستانی شهرهای موردنظری که قاتل فراری در آنجا بوده نتیجه می‌دهد و امیرحسین هجده ساله در شهر ماکو توسط گروه کارآگاهان پلیس

به دام می‌افتد. این اما همه ماجرای پرونده امیرحسین نیست. با دستگیری شدن این قاتل فراری دست یک گروه قاجاق‌بر

انسان به کشور ترکیه نیز برملا می‌شود.

موضوعی که هم‌زمان با رسیدگی به پرونده

امیرحسین توسط قاضی صفری مورد